دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۲۶۰-۲۲۹

پژوهشی بر سنت سفالگری قلم سیاه میبد[۱]

محسن میرجانی ارجنان* ، رضا رضالو**

کریم حاجی‌زاده باستانی*** ، علیرضا سرداری زارچی******

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۳

چکیده

تولید سفال قلم سیاه در دوره آل مظفر یک روند منطقی و در پاسخ به نیازهای یک نظام اجتماعی پویا است. میبد در این دوره به درجه ای از پیشرفت رسیده است که دارای جمعیت های متنوعی است. جامعه سفالگران، دارای هویتی اجتماعی است. این جامعه به سبب خویشاوندی و تمرکز تولید در راسته بازار در جنب مسجد جامع یک جانمائی مشخص دارد. استمرار دانش تولید سفال در قالب یک فرهنگ شفاهی و بومی است. نام گزینی های محلی برای کلیه روندهای تولید سفال بخشی ازمنزلت آن محسوب می شود. مواد اولیه بواسطه مواهب طبیعی معادن خاک رس مرغوب در بومی سازی تا به امروز نقشی بی بدیل دارد. استادکاران با شناختی که از استعدادهای منطقه دارند، با شیوه های سنتی به تولید لعاب و رنگ برای پوشش سفالینه مبادرت می کنند.نقش مایه ها بازتابی از زیست بوم، معماری و سایر مناسبات اجتماعی است. روش تحقیق در این مقاله میدانی با رویکرد مردم شناسی و مبتنی بر داده های باستان شناسی وگفتگوهای شفاهی با استادکاران است که برایند آن ارائه تصویری از سنت سفالگری قلم سیاه میبد، شیوه های فراوری مواد و مراحل تولید است.

واژه‌های کلیدی: *میبد، سفال قلم سیاه، دانش بومی، نقش مایه، دوره آل مظفر*

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری (نویسنده نخست) با عنوان "تحلیل و بررسی الگوهای استقراری محوطه‌های پیش از تاریخی شهرستان میبد" می‌باشد.

* دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی. mohsenmirjani1358@gmail.com

** دانشیار باستان شناسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول). reza_rezaloo@yahoo.com

*** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

**** استادیار باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی کشور.

مقدمه

در میان شیوه‌های سفالگری دوره ایلخانی، گونه نقاشی زیر لعاب به رنگ سیاه و آبی دیده می‌شود (دیماند، ۱۳۸۹: ۱۸۸) که این شیوه به سفالینه قلم سیاه معروف است. این گونه سفالی بواسطه انعطاف پذیری در حجم‌های متنوع و زمینه مناسب برای نقش اندازی و لعاب دهی از جمله سفالینه‌هایی است که در طیفی متنوع از ظروف عمومی و پرکاربرد تا ظروف با نقش مایه‌های بدیع و بسیار نفیس قرار می‌گیرند. با بررسی سنت سفالگری ایران در قرون میانه اسلامی و بویژه در دوره ایلخانی، این سنت در بخش وسیعی از ایران در مناطقی چون ری، کاشان، سلطانیه، بجنورد و سلطان آباد فراگیر بوده است. (زارعی، ۱۳۹۳: ٦). سفالینه‌های قلم سیاه میبد باوجود پیروی از اصول کلی شیوه تولید و تکنیک‌های مشابه نقش اندازی، دارای یک سری ویژگی‌های محلی و بومی مختص به خود هستند که می‌توان از این جنبه آن را تداعی‌گر سبک‌های محلی و کمتر شناخته شده سفالینه قلم سیاه دانست.

هنر – صنعت سفالگری در میبد به عنوان یک دانش بومی است که با بهره گیری از کلیه امکانات و استعدادهای محیطی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است. از منظر مردم شناسی و علوم اجتماعی سنت سفالگری در میبد به همراه سایر حرفه‌ها و مشاغل، مولود یک سازمان اجتماعی و شهری مبتنی بر تقسیم کار محسوب می‌شود که از منظر جامعه شناسی یکی از شروط پیدایش و رشد شهر محسوب می‌شود (کاستللو، ۱۳٦۸: ٦). در حقیقت سنت سفالگری و ایجاد یک جمعیت سفالگر در میبد طی قرون گذشته یکی از شاخصه‌های مدنیت و بیانگر موضوعاتی چون وجود مواد اولیه مناسب برای تولید سفال، آشنایی با خواص مواد معدنی برای تهیه لعاب و رنگ، وجود یک بازار و نظام داد و ستدی برای فروش محصولات و تأمین نیازهای اقتصادی جامعه سفالگر است.

کاربردهای متنوع سفالینه در کلیه شئون اجتماعی جامعه میبد از قبیل تولید ظروف با کاربری‌های متنوع و تولید کَوَل و تَن بوشه برای تسهیل در انتقال آب قنات به داخل

شهر، آن را به یک شغل و حرفه مهم در میبد بدل کرده است. سفالینه قلم سیاه میبد با توجه به روند نسبتاً تکنیکی و پیچیده تولید آن، یکی از نتایج توسعه نظام شهری میبد در دوره آل مظفر است. دوره‌ای که میبد با واقع شدن در مرکزیت این حکومت محلی و انجام اقدامات وسیع عمرانی و اقتصادی از قبیل توسعه قراء و قصبات و حفر رشته قنات‌های متعدد باعث رونق بیش از پیش حرفه هایئ چون سفالگری، زیلو بافی و نساجی شد. در این پژوهش از تجربیات و اطلاعات شفاهی استادکاران سفالگر باسابقه میبدی چون استاد ناصر پهلوان شمسی، استاد علی آقائی میبدی و استاد دهقانی فیروز آبادی استفاده شده است.

سؤالات تحقیق

این پژوهش قصد دارد به بررسی یک سنت سفالگری شاخص با رویکردهای محلی بپردازد. میبد به عنوان کانون شکل گیری آل مظفر از نظر اقلیمی و فرهنگی دارای تفاوت‌هایی با سایر مناطق در زمینه سفالینه‌های دوره ایلخانی است و همین موضوع می‌تواند در خصوص نحوه مواجهه با سنت سفالگری قلم سیاه بسیار مؤثر باشد. در این راستا و برای ارائه یک راهبرد مشخص در این موضوع به بیان برخی سؤالات و فرضیه‌های پیشنهادی پرداخته می‌شود:

۱- پیوندها و زمینه‌های مردم شناسی و اجتماعی سنت سفالگری در میبد از قبیل تأثیر آن در طراحی شهری، منزلت اجتماعی و حرفه‌ای چیست؟

۲- دلایل تداوم سنت سفالگری در میبد بویژه در دوره آل مظفر تا دوران معاصر تابع چه استعدادهای بوم شناسی، اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی است؟

۳- نقش مایه‌های سفالینه‌های قلم سیاه میبد مُلهم از چه عناصر و ویژگی‌های محلی و بومی است؟

در راستای سؤالات مطرح شده این فرضیات قابل طرح و پیگیری است:

الف- سفالگری در میبد به عنوان یک حرفه و دانش بومی، دارای جایگاه ویژه‌ای است. وجود کارگاه‌های متمرکز تولید سفال، اختصاص بخشی از حق السهم آب قنوات میبد با عنوان جوی فخارها، موروثی بودن این حرفه در خانواده‌های میبدی و در نهایت وجود اصطلاحات تخصصی محلی برای نامگذاری مراحل تولید سفال از جمله مهمترین دلایل عجین شدن این حرفه با حیات فرهنگی و اجتماعی میبد است.

ب- وجود مرکزیت سیاسی و معنوی دولت آل مظفر در میبد، آمادگی‌های اقتصادی و توان بهره وری از محیط همراه با دست یابی به تکنولوژی قنات و وجود منابع عظیم معادن خاک رس در میبد از جمله مهمترین علل رونق و تداوم سنت سفالگری قلم سیاه در میبد بوده است. (پویا، ۱۳۷۱: ۹ و ۱۰)

ج- نقش مایه‌های به کار رفته در نقش اندازی سفالینه‌های قلم سیاه میبد یک برداشت واقع‌گرا از طبیعت و سنت این منطقه است که در کنار سایر شیوه‌های نقش اندازی مرسوم سفال قلم سیاه در ایران به کار گرفته شده‌اند.

پیشینه تحقیق

در میان تحقیقاتی که در موضوع سفالینه‌های فیروزه‌ای قلم سیاه در بخش‌های مختلف ایران صورت گرفته و از سوی محققان به عنوان مراکز تولید معرفی شده، نامی از یزد و میبد به چشم نمی‌خورد و این موضوع را باید بیش از هرچیز بواسطه عدم معرفی و ناشناخته ماندن استان یزد در ادبیات باستان شناسی و نبودن منابع و ارجاعات مناسب در این زمینه دانست. (رایس، ۱۳۷۵: ۷۶، Pope, 1934:1845 و Hall, 1934:65). در خصوص سفال قلم سیاه در یزد مطالعات نسبتاً پرباری صورت گرفته است؛ حصارنوی در کاوش مسجد تاریخی کچیب سال ۱۳۸۲ درشهرستان اردکان، کاظم نژند در سه فصل گمانه زنی باستان شناسی در عرصه بافت تاریخی شهر یزد طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵، رضوانی طی دو فصل بررسی و شناسایی باستان شناسی طی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱ در شهرستان میبد، شیبانی در جریان ساماندهی و پیگردی باستان شناسی در

نارین قلعه میبد در سال ۱۳۸۷ در لایه‌های اسلامی این محوطه به نمونه‌هایی شاخص از این‌گونه سفالینه دست یافته‌اند.

در سطح کشور نیز پژوهش‌های چندی صورت گرفته که از آن جمله است: یوسفی در کاوش باستان شناسی در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، چوبک در کاوش‌های قلعه الموت قزوین، فرحانی در دژگلخندان بومهن، نتایج حاصل از سه فصل کاوش در محوطه تاریخی ارزانفود همدان به سرپرستی خاکسار، بررسی باستان شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه باستانی نچیر خانلق شهرری به سرپرستی مهجور و همچنین پژوهش‌هایی در خصوص سفالگری دوران اسلامی در پیوند با سفالینه‌های فیروزه قلم مشکی انجام گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کارهای پوپ، اتینگهاوزن، لین، فهرواری، آلن، راجرز و هادلن اشاره نمود. در مجموع این مقاله اولین پژوهش مستقل برای معرفی سنت محلی سفالگری در میبد و با محوریت سفالینه قلم سیاه است. در حوزه مردم شناسی و فرهنگ عامه، می‌توان به پژوهش‌های Centlivres, 1971 و جانب الهی به موضوع سفالگری در میبد اشاره کرد (جانب الهی، ۱۳۸۵: ٤٩٠-٤٥٢).

روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر کاوش و بررسی‌های باستان شناسی، مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و مصاحبه و گفتگو با مطلعین و استادکاران سفالگر میبدی است. با توجه به تمرکز بحث بر روی دشت یزد – اردکان و تعدد مراکز تولید سفالینه قلم سیاه در این منطقه، سعی شده است مقایسه کاملی میان داده‌های فرهنگی مناطق مطالعه شده از قبیل اشکذر و یزد که این گونه سفال در آنها شناسایی شده است، صورت گیرد. با این رویکرد و شناسایی ویژگی‌های سفالینه‌های قلم سیاه مطالعه شده در دشت یزد – اردکان و میبد، می‌توان دست به یک مقایسه تطبیقی با سایر مناطقی که موجودیت سفالینه قلم سیاه در آنجا اثبات شده است، زد و از این طریق

فرضیات و نگره‌های پیشنهادی در خصوص وجود سبکی محلی و بومی می‌تواند رد یا تأیید شود.

میبد در دوره آل مظفر

میبد از توابع استان یزد است و در شمال غربی این استان واقع شده است. این شهرستان از شمال، شمال شرق و شرق به شهرستان اردکان و از جنوب و غرب به شهرستان صدوق محدود می‌شود. (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد، ۱۳۸۱: ۵۵۵) از نظر مختصات جغرافیایی در ۵۳ درجه و ۳۵ دقیقه تا ٥٤ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۰۵ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. (تصویر شماره ۱)

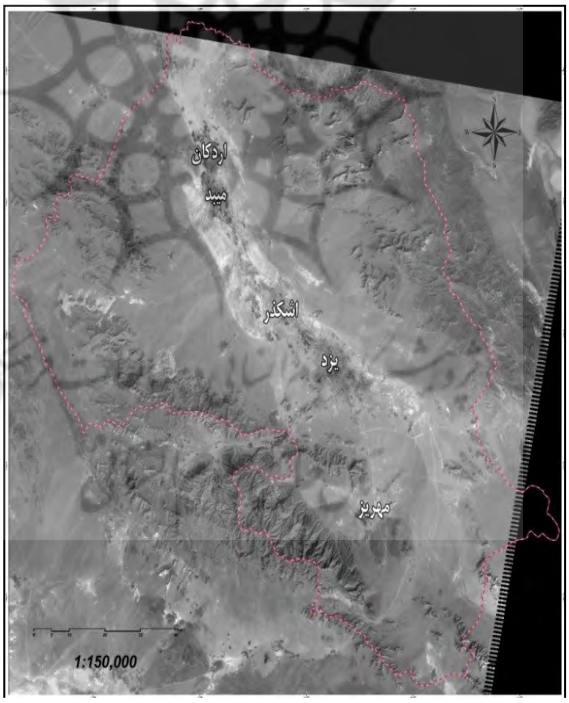

تصویر ۱- جانمایی دشت یزد ـ اردکان بر روی عکس ماهواره‌ای (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۱: شکل ۱)

میبد از جمله قدیمی‌ترین شهرهای دشت یزد – اردکان محسوب می‌شود و از جمله اولین مناطقی است که دارای جایگاه مسجد آدینه بوده است. (اصطخری،۱۳٤۰: ۹۷). در دوره ایلخانی به عنوان یک مرکز راهداری مطرح بوده و برای رفع قطاع الطریق والیانی از سوی الجایتو و سلطان ابوسعید بر این منطقه نصب شدند (شبانکاره‌ای، ۱۳٦۳: ۳۱۸) که بعدها موفق به تشکیل سلسله آل مظفر شدند. در سال ۷۰۳ هـ ق همزمان با درگذشت غازان خان و روی کارآمدن اولجایتو، امیر مظفر مورد عنایت خاص قرار گرفت و محافظت از راه‌ها از اردستان تا کرمانشاهان و راه هرات و مروست و ابرقو را بانضمام ایالت میبد بدو واگذار کرد. (کتبی: ۱۳٦٤: ۳۲). با استقرار امیر مظفر در میبد و مرکزیت این شهر، وی اقداماتی چند در جهت تثبیت قدرت خود انجام داد و اقدام به استحکام و بازسازی نارین قلعه نمود. (جعفری، ۱۳۸۹: ۵۰). وی باروی منسجمی دور شارستان کشید، بر برج‌های نگهبانی افزود و دست به تعمیرات گسترده‌ای در قلعه زد. بعد از مرگ امیر مظفر فرزندش امیر مبارزالدین در سنه ۷۱۳ به حکومت رسید و مقر حکومت خود را به یزد منتقل کرد ولی با اینهمه توجه و عنایت امراء آل مظفر، میبد همچنان در کانون توجه بود و مدارس و مساجد چندی در میبد بنا شد و البته خاندان آل مظفر نیز خود در میبد دارای مستغلات فراوان بودند (مستوفی بافقی، ۱۳٤۲:۱۱٦ کتبی، ۱۳٦٤: ۵۸).

بحث

بلوک میبد و بویژه شهر یزد در دوره ایلخانی از جمله مراکز عمده شهری محسوب می‌شدند(نقشه‌های شماره ۱ و ۲). در این دوره فصل جدیدی در پیشرفت منطقه آغاز گردید، بطوری که اوج شکوفایی و عظمت فرهنگی یزد نیز مربوط به همین زمان است (میرحسینی، ۱۳۷۲: ٥٦).

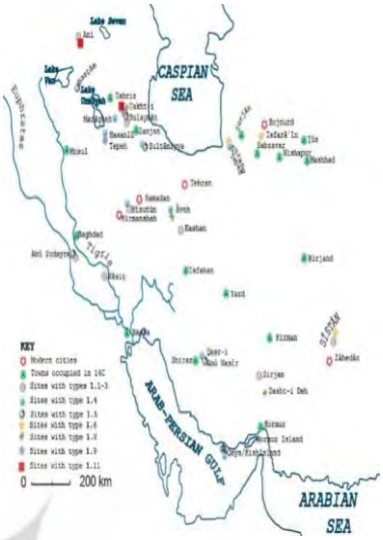

نقشه ۱- نقشه پراکندگی شهرهای ایران در دوره ایلخانی (ستوده، ۱۳۸۹)

نقشه ۲- میبد در دوره آل مظفر (haddon, 2011)

سفالینه‌های قلم سیاه مکشوفه در میبد و یزد و سایر مناطقی که در آنها بررسی صورت گرفته باوجود دارا بودن ویژگی‌های عمومی و مشابهت با نمونه‌های بدست آمده از سایر مناطق ایران، دارای یک سری ویژگی‌های مختص به خود هستند، که آن را به عنوان یک شاخصه محلی در دوره ایلخانی مطرح می‌کند. متاسفانه در هیچ یک از منابع مورد مطالعه به صورت مشخص به صنعت سفالگری به عنوان یک حرفه مستقل اشاره نشده و یا شاید آنها را در ذیل حرفه کاشی سازی که برای تزیین نمای ابنیه و اماکن مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده قرار می‌دادند (ستوده، ۱۳۸۹: ۲٤۹). با توجه به اهمیت یزد و میبد به عنوان یک مرکز تجاری و سیاسی در دوره آل مظفر، شواهدی از تجاری بودن سنت سفالگری قلم سیاه این حوزه به دست نمی‌آید و منابع تاریخی بیشتر بر روی تجارت دست بافته‌های سنتی و مواد اولیه آن بویژه ابریشم و پنبه تاکید دارند (مستوفی بافقی، ۸۷ و مستوفی قزوینی، ۱۳٦۲: ۷٤).

از سوی دیگر مشابهت‌های غیر قابل انکار سفالینه‌های منطقه غبیرا کرمان با نمونه‌های تولید شده در میبد، حکایت از یک مبادله و توارد فرهنگی دورن منطقه‌ای دارد (کاظم نژند، ۱۳۸۸: ۱۳۹). با نگاهی به فرم و شیوه ساخت ظروف حجیم و با قطر دهانه زیاد و نحوه نقش اندازی نسبتاً ساده آن‌ها می‌توان این فرض را در نظر گرفت که این گونه سفال بیشتر جنبه استفاده عمومی و برای روندهای ذخیره سازی بویژه غلات، حبوبات و لبنیات و استفاده روزمره مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این‌گونه از ظروف در اصطلاح محلی میبد با اسامی‌ای چون تَپُو و گاودُوش[۱] معروف هستند که معمولاً در فضایی در خانه‌های سنتی میبد موسوم به گامبُوچه[۲] در اصطلاح محلی میبدی واقع شده‌اند (استاد رضا امامی میبدی، ۱۳۹۷: ۷). این در حالی است که در نمونه‌های ظروف قلم سیاه با حجم‌ها و فرم‌های کوچکتر نقش مایه‌ها با دقت و تناسب هندسی بهتری اجرا شده‌اند. موضوعات مورد استفاده برای نقش اندازی بیشتر شامل نقوش گیاهی و هندسی است و بندرت از نقوش حیوانی، انسانی و کتیبه‌ای استفاده شده است.

سفالگری در میبد با توجه به وجود معادن خاک رس از گذشته‌های دور به عنوان یک حرفه مشخص مطرح بوده است. کارگاه‌های تولید سفال به صورت متمرکز در مجاورت راسته بازار و محله فخاران در کنار مسیر قنات‌های ورودی به داخل حصار میبد در محله بالا، محوطه نارین قلعه میبد و اندرون محوطه حصاربست در کنار خانه‌های سفالگران جای داشته است و قرن‌ها در همین بخش اندرونی شهر مستقر بودند، این مکان‌یابی از جهت دسترسی بهتر به منابع آبی انجام شده و حتی یکی از

۱- در اصطلاح محلی به آن گادیشه نیز می گویند که ظروف سفالی بزرگی است که برای نگهداری لبنیات از آن استفاده می‌شده است.

۲- این اصطلاح احتمالاً همان اتاق گنجه در خانه‌های سنتی میبدی است (به نقل از استاد رضا امامی میبدی، استاد کار معمار سنتی میبد)

پاکنه ها و جوی‌های ایجاد شده در مسیر قنات خارجا[ی] میبد موسوم به جوی فخارها یا کوزه گران است (میرجانی، ۱۳۹۲: ۳۵)، (تصویرهای شماره ۲ و ۳). از دیگر علل این تمرکز و جانمایی موروثی بودن سنت سفالگری در چند خانواده محدود است که تا به امروز نیز این رویه ادامه داشته است (ناصر پهلوان شمسی، ۱۳۹۷: ۷). در اوایل قرن اخیر به سبب برقراری امنیت نسبی و محدودیت فضاهای مسکونی و بروز مشکلات زیست محیطی، کارگاه‌های سفالگران به بیرون دروازه شهر منتقل گردیده است (خورشیدی، ۱۳۸۰: ۳۳).

تصویر ۲- چشم انداز کارگاه‌های سفالگری در مجاورت قنات خارجا.
منبع: Centlivres, 1971: 18

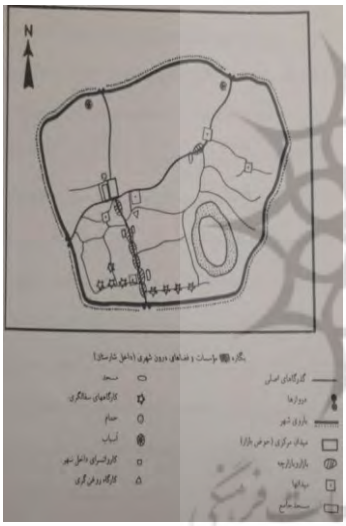

تصویر ۳- جانمائی کارگاه‌های سفالگری در محله بالا میبد و در مجاورت حصاربست.
(منبع پویا، ۳۵: ۱۳۷۱)

در خصوص جایگاه و منزلت اجتماعی سفالگران و محله فخارها در میبد اشاره چندانی در دست نیست و اطلاعات خاصی از منابع تاریخی در این باره وجود ندارد

ولی با بررسی میدانی و جانمایی محله کوزه‌گران میبدی در موقعیت گذشته آن، نشانگر تمرکز کارگاه‌ها و سکونتگاه آنها در مجاورت بازار تاریخی میبد است و یکی از پاکنه های برداشت آب در مسیر عبور قنات خارجا میبد برای برداشت آب برای کارگاه‌های سفالگری است. سفال‌های قلم سیاه و گونه‌های مشابه آن در دوره‌های بعد که همگی با استفاده از گل رس و آمیختن با خاک چینی ساخته می‌شوند، در گویش میبدی به " کِواره" و " کُل" معروف‌اند و به کارگاه‌های تولید سفال نیز "کِرخانه" می‌گویند. وجود این ادبیات اختصاصی برای نام‌گذاری سفال در میبد که در سایر بخش‌های تولید و فراوری آن نیز قابل ردیابی است، نشانگر وجود یک هویت جمعی و اعتبار شغلی برای جمعیت سفالگران میبدی است که باعث شده این هنر- صنعت باوجود افول در بخش‌های وسیعی از ایران، همچنان پابرجا و معتبر باقی بماند.

روند تولید و فراوری سفال قلم سیاه میبد

با توجه به وجود زمین‌های رسی و سیلتی و تل‌های رسی، وسیع‌ترین و ضخیم‌ترین سازندهای رسی استان یزد که ازحوالی شهر یزد تا اردکان گسترده شده است، خالص‌ترین و ریزدانه‌ترین آنها در محدوده میبد باعث رونق کوزه‌گری و چینی سازی در این شهر شده است (مهرشاهی، ۱۳٦۸) و جنوب میبد که مقر قدیمی کارگاه‌های سفالگری است از این لحاظ یک موقعیت ویژه شاخصی دارد. (پویا، ۱۳۷۰). خاک رس مورد برای تولید سفال قلم سیاه در میبد از دو منبع تأمین می‌شده است:

۱- خاک‌هایی که بر اثر عوامل طبیعی نظیر باد، سیلاب و جریان دائم یا موقت رودخانه‌ها و مسیل‌های فصلی جا عوض کرده‌اند و به صورت توده‌های آبرفتی و نهشته‌های طبیعی در تراس رسی میبد شکل گرفته‌اند. این خاک‌ها چون در مسیر حرکت خود با مواد آلی مختلف ترکیب شده‌اند، قدرت چسبندگی بیشتری دارند (گرجستانی، ۱۳۷۹: ۲۱).

۲- خاک رسی که از مزارع اطراف میبد و محدوده قبرستان قدیمی در نزدیکی قبرستان برداشت می‌شده است. این خاک بهترین گونه از خاک رس برای تولید سفال در میبد است. شاید به همین دلیل اسم همه قسمت‌های کوزه از قبیل دهنه، لبه، گردن، دسته و شکم تصغیر همان اعضای بدن انسان است (هدایت، ۱۳۸۱: ۱۲۰). به این گونه خاک رس در میبد در زبان محلی " گل مِلک" یا " گل نَره" می‌گویند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۹).

بواسطه وجود نسبت خاصی از عنصر آهک در معادن رس موجود در دشت یزد – اردکان معمولاً در بدنه داخلی یا خارجی برخی از ظروف شواهدی از شکفتگی و پاشیدن نقاطی از آن به چشم می‌خورد که خود به عنوان یک عامل در جهت زائل شدن نقش مایه‌ها و شکستگی در لایه لعاب ظروف مطرح است. به منظور به حداقل رساندن عنصر آهک در خاک رس مورد استفاده، معمولاً به شیوه غرقاب کردن درصد زیادی از آن را می‌شستند تا کیفیت خاک رس بهتر شود (مصاحبه با پهلوان شمسی، ۱۳۹٤).

شیوه فراوری و آماده سازی گل سفالگری

خاک رس خالص برای تولید سفال قلم سیاه مناسب نیست و برای تعدیل رنگ قرمز و اخرائی آن باید نوعی گل موسوم به گل شوره بدان اضافه نمود که در اصطلاح محلی بدان " بوغه" می گویند. در مرحله بعد گل را در آب می‌آمیزند و می‌گذارند یک صبح تا شب خیس بخورد و کاملاً خیس شود. سپس با پا لگد می‌کنند تا هوای آن گرفته شود و گل ورز داده شود. به این مرحله در اصطلاح محلی " خَش کردن " گل می‌گویند.

شیوه ساخت

گِل ورز داده شده را به نسبت حجم و بزرگی ظرف به صورت پیمانه مشخص جدا کرده و بر روی تخته کار قرار می‌دهند. این عمل در اصطلاح به "مَسه" کردن گِل معروف است. برای ساخت هر ظرف از تکنیک متفاوتی استفاده می‌کنند به طور مثال

برای ساخت ظروف کوچک و کم حجم‌تر فرایند تولید سفال یک مرحله‌ای است و برای ظروف بزرگ‌تر و حجیم‌تر، بخش‌های مختلف ظرف را به صورت نوار و فتیله آماده کرده و روی هم قرار می‌دهند و با دست مرطوب و با استفاده از مقداری کاه و موی بز محل اتصال نوارها را پوشش می‌دهند که محل‌های اتصال ترک بر ندارد.. این روش در اصطلاح محلی موسوم به "دوآله " است.

تراش و پرداخت

ظروف ساخته شده را بر حسب نوع از یک تا سه روز در سایه داخل انبار می‌گذارند، تا در سایه نیمه خشک شود. سپس مجدداً به کارگاه می‌آورند و آن را وارونه روی چرخ می‌گذارند و با کاردک و سیخ مخصوص به حذف زوائد و منحنی‌های ایجاد شده بر روی بدنه ظرف اقدام می‌کنند. بعد از مرحله تراش و اصلاح نهایی، آن را در آفتاب قرار می‌دهند تا کاملاً خشک شده و برای لعاب دهی و نقش اندازی آماده گردد.

تهیه لعاب

برای تولید سفالینه‌های قلم سیاه معمولاً از یک لعاب مشخص استفاده می‌شده است. این لعاب موسوم به " کِریُو" است که از یک گیاه بوته‌ای موسوم به "اِشنوم یا اِشنان" تهیه می‌کردند. محل رویش این گیاه در بیابان‌های اطراف اردکان است و نوروز سبز می‌شود و در آبان ماه یخ می زند. قبل از یخ زدن آن را می‌چیدند و در چاله‌ای می‌ریختند و طوری که شعله ور نشود (در دود خود بسوزد) می‌سوزاندند. از سوخته آن خاکستری به نام کِریُو بدست می‌آمد. این خاکستر را در آسیاب پودر می کردندو سپس به نسبت مساوی با سنگ سیلیس که معادن آن در منطقه به وفور یافت می‌شود، می‌آمیختند. این ترکیب بعد از حرارت در کوره و فراوری آن، تبدیل به لعاب و رنگ می‌شد که در اصطلاح محلی بدان رنگ " لُک یا لُکه رنگ " می گویند.

شیوه لعاب زنی

شیوه لعاب دهی و پخت بدین گونه است که پس از خشک شدن در کوره پخته شده و سپس روی آن را با رنگ مغن (اکسید منگنز و منیزیوم) که سیاه رنگ است، نقاشی می‌کردند. پس از آن یک لایه لعاب فیروزه‌ای رنگ که حاوی ترکیبات مس بوده است روی سطح سفال می‌زدند. در این زمان سطح سفال منقوش پوشیده می‌شد و سفال لعابدار برای دومین بار به کوره می‌رفت تا لعاب فیروزه‌ای پخته شود و نقوش زیر این لعاب تثبیت گردند (دهقانی، ۱۳۷۲).

لعاب مورد استفاده تعیین سطح اصلی برای نقش اندازی در این گونه سفالینه‌ها نیز معمولاً با کاربر یا بیننده آن است. به این معنی که فضای اصلی ظرف، بخشی است که بیش‌تر در معرض مشاهده قرار دارد. این قسمت در کاسه‌ها و بشقاب‌های بزرگ یا همان قدح‌ها، محیط داخلی ظرف است که کاربر در تمام مدت، می‌تواند آن را از زاویه دید بالا مشاهده کند، همچنین فضای اصلی ظروف با دهانه تنگ و ارتفاع بلندتر بخش بیرونی است و داخل ظروف به دلیل دیده نشدن، معمولاً بدون نقش است و تنها با لعاب ساده پوشش داده می‌شود و یا این که گاهی در لبه بالای ظروف از سمت داخل مانند بیرون کاسه‌ها، نقوش ساده و ظریفی نقاشی شده است (موسوی، ۱۳۸۷: ٦٨).

نقش اندازی

نظام نقش اندازی و نگارگری در سفالینه‌های قلم سیاه میبد تابع یک نظم هندسی است. اصل تقارن و بخش بدنی بوم سفال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سفالینه‌های قلم سیاه میبدی عموماً قسمت داخلی آن نقش اندازی شده‌اند و وسیله مورد استفاده قلم مویی است که از موی بز درست می‌کردند چرا که رنگ را در داخل خود نگه نمی‌داشت و بواسطه ایجاد اصطکاک کمتر سرعت کار را بالا می‌برد (پهلوان شمسی، ١٣٩٤: ١٠).

شیوه چیدن ظروف در کوره

متاسفانه با توجه به فقدان داده‌های تاریخی و باستان شناسی از کوره‌های کامل سفالگری در دوره آل مظفر هیچ تصویر روشنی از معماری و تقسیم بندی داخلی آن در دست نیست ولی با توجه به دیرینگی سنت سفالگری و وجود یک نظام خویشاوندی در این حرفه، کوره‌های سنتی مطالعه شده در دوران متأخر در میبد می‌تواند یک تصویر کلی از این روند را در اختیار بگذارد. قدیمی‌ترین کوره‌های سنتی میبد که در حال حاضر متروک شده و جای خود را به کوره‌های تونلی و صنعتی داده‌اند، ابعادی مربع شکل تقریباً ۲ متر در ۲ متر دارند. (تصویر شماره ٤) شیوه چینش ظروف در کوره بر مبنای بزرگی و کوچکی حجم و ضخامت بدنه آن است. معمولاً تپوها یا ظروف ذخیره سازی بزرگ را در ته کوره می‌چیدند. به منظور جلوگیری از چسبیدن ظروف از ابزار و آلاتی چون "زیر دسته‌ای"، "سه پایه‌های سفالی ستاره‌ای شکل" و "حلقه چی" استفاده می‌کردند. برای چیدن ظروف چند زیر دسته‌ای در سطح کوره قرار می‌دادند و روی هر زیر دسته یک سه پایه سفالین می‌گذاشتند و یک ظرف را بر روی آن می‌گذاشتند. در ظروف بزرگ‌تر مثل تغارها و گاودوش ها حد فاصل سه پایه و کف ظرف یک حلقه چی قرار می‌دادند. (تصویر شماره ۵) در ماه‌های مهر و آبان و در هنگام بارپازی[1] همه کوره‌های سفالگری قرق می‌شوند (پهلوان شمسی، ۱۳۹٦: ۱۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این اصطلاح به معنای بوجاری و جدا کردن گندم از خرمن کاه است.

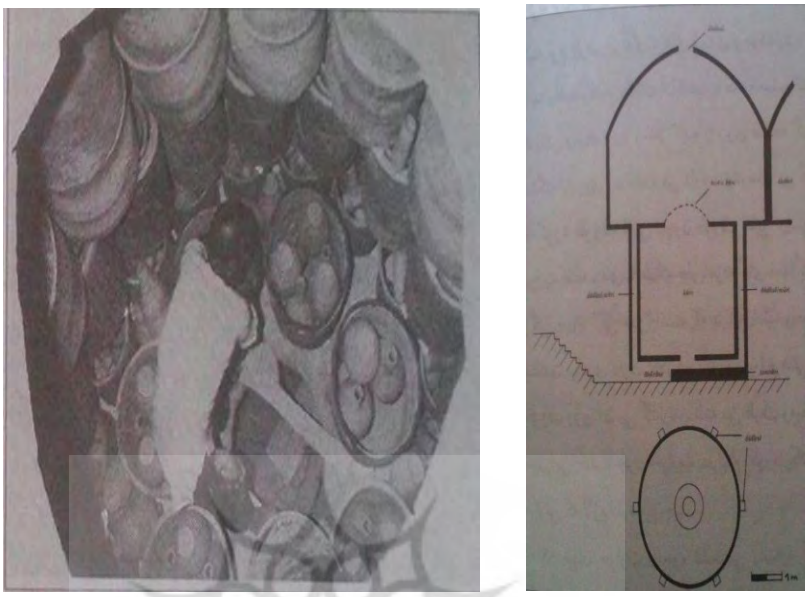

تصویر ٤- طرحی از کوره سفالگری سنتی میبد و نحوه چیدمان ظروف در داخل آن.
منبع: جانب الهی، ۱۳۸۵: ٤٦٨

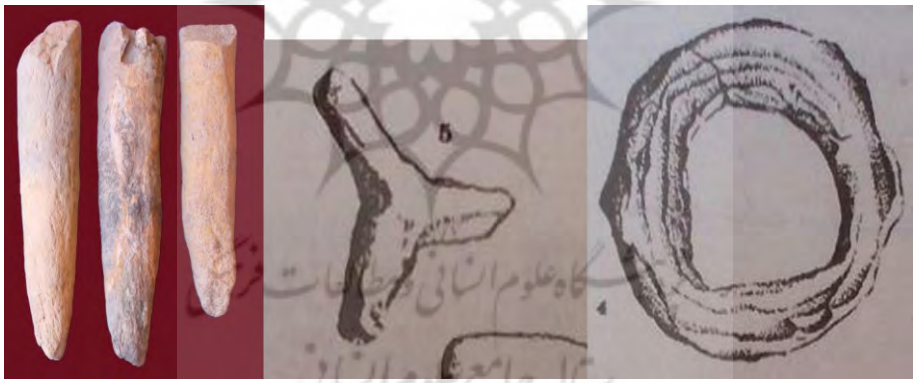

تصویر ٥- آلات و ابزار چیدمان ظروف در کوره سفالگری. از راست به چپ: حلقه چی، سه پایه سفالی و زیر دسته‌ای. (منبع: جانب الهی، ۱۳۸۵: ٤٥٨ و نگارنده)

نقش مایه و نگاره‌ها

نگاره‌های مورد استفاده در سفالینه‌های قلم سیاه میبد در واقع تاریخ مصور آن است. زیرا تمام مظاهر زندگی آنها را به تصویر کشیده است. جلوه‌های متفاوتی از پوشش

گیاهی، معماری و نقش مایه‌های هندسی برگرفته شده از خورشید به عنوان یک عنصر مذهبی قبل از اسلام که حتی در سفالگری امروزین میبد به صورت کاملاً واقع گرایانه موسوم به خورشید خانم همچنان رواج دارد. این نگاره را ترکیبی از آناهیتا، ایزد آب و خورشید، مظهر روشنائی دانسته‌اند که بواسطه وجود آثار و بقایای دوره ساسانی از قبیل حصار و همچنین مرکزیت ضرب سکه در دروه آزرمیدخت در میبد، می‌تواند به عنوان نقش مایه‌ای اصیل در نظر گرفته شود. (بیانی، ۱۳٦۳: ۹٦). این نقش مایه به نوعی نشانگر باور عامیانه میبدی‌ها با عنوان "آب است و روشنایی" که برایند این دو عنصر مقدس در زندگی کویر نشینان نقش مایه خورشید و دایره باشد. این ترکیب آب و روشنائی یکی از موضوعات مهم در سنت نگارگری سفالینه‌های قلم سیاه است که معمولاً به صورت کاملاً ساده شده عبارت است از یک دایره مرکزی در کف ظرف و نوارهایی که با فواصل مشخص تا لبه ظرف کشیده شده‌اند. این نقش مایه به نوعی حاکی از آب مظهر آبادانی و خورشید مظهر انرژی است که به نوعی اشاره به موضوع قنات و آب‌های زیرزمینی و مسیل‌ها و رودخانه‌های فصلی میبد دارد. از دیگر نقش مایه‌های شاخصی که می‌توان آن را برایندی از مردم واری و برگرفته از سنت‌های عامه میبد دانست نقش مایه‌های شطرنجی است که تا به امروز هم در سنت سفالگری میبد تداوم داشته و موسوم به نقوش " چادیشوئی[۱]" است. این نقش‌مایه متأثر از دست بافته‌هایی چون کرباس بافی و زیلوبافی میبدی است. نقش مایه‌های کاملاً طبیعت گرایانه و مختص اقلیم و جغرافیای منطقه از دیگر نقش مایه‌های مورد استفاده در نظام نقش اندازی سفالینه‌های قلم سیاه میبد است. این نقش‌مایه‌ها نشانگر استفاده از موضوعات بومی است که می‌تواند تصویری از زیست بوم و اقلیم میبد را ارائه دهد. از مهمترین این گونه نقش مایه، درختچه تاق است که خاص نواحی بیابانی میبد است و

۱- این اصطلاح تغییر یافته دست بافته‌ای موسوم به چادر شب است که یکی از محصولات کاربافی و صنایع دستی میبد است.

دیگری گل آفتاب گردان است که به نوعی نمادی از خورشید است و از جمله منابع تأمین روغن و مصارف غذایی برای جامعه بوده است. (جدول شماره ۱)

خانم سان لیور استاد مردم شناسی دانشگاه نیوکاسل سوئیس در رساله دکترایش با موضوع جماعت سفالگران میبد بیش از ٦٢ گونه از نقش مایه‌های مورد استفاده در سفالینه‌های میبد را طبقه بندی کرده که بخشی از آنها در تداوم با نقش مایه‌های سفالینه‌های قلم سیاه میبد است.

در مواردی برخی از طرح‌ها و ظرایف معماری از قبیل کاربرندی، گچ بری و گل بری نیز موضوع نقش اندازی برای بوم و بدنه سفالینه‌های قلم سیاه میبد شده است. نمونه‌ای شاخص، نقش مایه یک کاسه قلم سیاه است که از محوطه تاریخی کچیب اردکان کشف شده و نقش‌مایهٔ آن تشابه ویژه‌ای به کاربندی گچی خانه تاریخی قاضی جلال روستای هفتادر اردکان دارد (تصویر شماره: ٤).

با این همه تفاوت تکنیک‌های اجرا در معماری و سفالگری باعث شده تا نقش‌ها در هر حوزه متنوع با ویژگی ساختاری آن رشته هنری نیز هماهنگ شده و نقشی منحصر بیافرینند (شایسته فر، ۱۳۹۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱- نمونه هائی از نقش مایه‌های محلی و بومی سفالینه قلم سیاه میبد و تداوم آن تا به امروز

ردیف	نقش مایه	بن مایه	تداوم	منبع
۱		دایره و خورشید		رضوانی، ۱۳۹۱ جانب الهی، ۱۳۸۵
۲		نقش شطرنجی (چادیشو ئی)	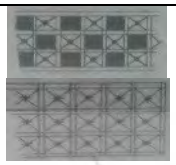	رضوانی، ۱۳۹۱ جانب الهی، ۱۳۸۵
۳		گیاهی و نباتی		رضوانی، ۱۳۹۱ جانب الهی، ۱۳۸۵

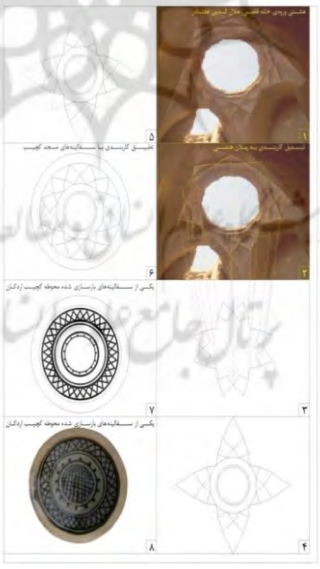

تصویر ٦- نقش مایه‌های متأثر از معماری منطقه. کاربندی هشتی ورودی خانه قاضی جلال

نقش و تأثیر دانش‌های بومی در سنت سفالگری قلم سیاه میبد

با توجه به مراحل نسبتاً پیچیده و تکنیکی تولید سفال قلم سیاه در میبد و اصولاً سفالینه‌هایی که قبل از رواج خاک چینی در دوره صفویه به بعد در میبد رواج یافته‌اند، استاد کار سفالگر بایستی دانش و آگاهی‌های لازمی از کلیه مراحل تولید سفال داشته باشد. در مصاحبه‌ها و گفتگوهای شفاهی و مراجعه به منابع معدود موجود، انتقال این دانش و آگاهی بواسطه موروثی بودن این حرفه بیشتر از طریق تجربی از پدر به فرزند منتقل می‌شود. از جمله مهمترین دانش‌ها و آگاهی‌های مورد استفاده برای تولید سفالینه در میبد عبارتند از:

– آگاهی برای شناسایی خاک و نهشته‌های مرغوب برای تولید گل سفالگری: معمولاً بواسطه وجود درصد مشخصی از آهک در خاک رس میبد، با شیوه غرقاب کردن و صافی کردن آن این نسبت را به حداقل می‌رساندند.

– علم به خواص مواد آلی و کانی برای استحصال لعاب مناسب برای پوشش سطوح ظروف: از جمله ملزومات این دانش، آگاهی از منطقه و زمان رویش گیاه اُشنان و همچنین انتخاب کانی سیلیس کریستالیزه شده و شفاف برای جلای بیشتر لعاب مد نظر بوده است.

– در مرحله نقش اندازی و ترسیم نقش مایه‌ها: در این مرحله مهارت در نقاشی و آشنایی با ترکیب رنگ‌ها و آگاهی ابتدایی از هندسه برای تقسیم بندی مناسب بوم سفال مورد نیاز بود. این مهارت از جمله اسرار و رموز کار بود که استادکاران از آموزش آن اکراه داشتند و به نوعی یک شاخص کار محسوب می‌شد. برخی نقش مایه‌های هندسی سفالینه‌های قلم سیاه ملهم از نقش مایه‌های زیلوی میبدی است که این هنر – صنعت اخیر نیز در دروه آل مظفر متداول بوده و دارای شأن اجتماعی و جامعه‌ای تخصصی بوده است.

– در مرحله چیدمان ظروف در کوره و پخت آن: آگاهی از نحوه چیدمان ظروف بر مبنای حجم و قطر بدنه و همچنین تنظیم حرارت داخلی کوره برای جلوگیری از ترک خوردگی و سوختگی لعاب و معیوب شدن فرم آن، اهیمت ویژه‌ای دارد. تنظیم درجه حرارت کوره و جلوگیری از هدر رفت دمای داخلی کوره مستلزم سال‌ها تجربه است. سوخت رایج کوره‌های سنتی سفالگری در میبد گیاه قیچ است که در بیابان‌های اطراف میبد و اردکان به وفور یافت می‌شده و برای تولید زغال نیز از آن استفاده می‌کردند (پویا، ۱۳۹٦: ۱۵).

سنت سفالگری میبد در دوران معاصر

میبد از جمله معدود مناطق باستانی ایران محسوب می‌شود که تداوم سنت سفالگری در آن تا به امروز باقی است. این هنر صنعت با توجه به نیازهای جمعی جامعه، وجود یک پایگاه اجتماعی متشخص و اصیل در نظام اجتماعی میبد، خودکفایی و درون زایی در تأمین مصالح در کلیه مراحل تولید و در نهایت، تلاش در جهت همگام شدن با تغییرات فرهنگی و اجتماعی و به روز شدن برخی نقش مایه‌ها و فرم‌های وارداتی، همچنان پویا و زاینده است. از اوایل دوره قاجاریه میبد بواسطه فراگیری مدرنیزاسیون و تغییر ذائقه جامعه علاوه بر تولید سنتی سفالینه‌های سنتی موسوم به کواره، تولید گونه‌ای دیگر از سرامیک با ماده اولیه خاک چینی موسوم به ظروف "نانی"[1] نیز رواج گسترده‌ای یافت (تصویر شماره ۷).

۱– برخی کلمه نانی را تغیر شکل یافته کلمه نایینی می‌دانند و معتقدند که یکی از شیوه‌های تولید سفال نانی برآمده از منطقه نایین است. البته این موضوع با توجه به ساخت سفالینه‌های با منشاء خاک چینی در دوره تیموری و صفوی در میبد چندان منطقی به نظر نمی‌رسد ولی در مجموع یکی از سازندگان مشهور سفال نانی در میبد قنبر نامی بوده که از پدری نایینی و مادری میبدی است و کارهای با امضاء او امروزه جزو نمونه‌های موزه‌ای و شاخص است.

تصویر ۷- نمونه‌ای از سفال‌های نانی میبدی با نقش خورشید خانم. عکس از آرشیو اداره میراث فرهنگی شهرستان میبد. ۱۳۹۷

این سنت سفالگری در میبد حالت خانوادگی و انتقال مهارت از پدر به پسر است و برخی از نقش مایه‌ها و فرمول‌های خاص تولید نانو تنها در خانواده‌های خاص رواج داشته و در انتقال و انتشار این دانش بومی هیچ گونه گشاده دستی و سخاوت معنائی نداشته. از جمله معروف‌ترین خانواده‌های میبدی فعال در تولید سفالینه و سرامیک نانی می‌توان به خانواده آقایی، پهلوان شمسی، امامی، پورغلامی و دوست حسینی اشاره نمود (تصویر شماره ۸). برخلاف سنت سفالگری قلم سیاه دوره آل مظفر، نانی سازان میبدی دارای امضاء و نشان بوده‌اند. این امضاءها ابتدا به صورت نام کوچک و معمولاً تاریخ دار بوده که بعدها و با ثبت سجل و شناسنامه در دوره رضا شاه پهلوی نام خانوادگی هم به دنباله مشخصات امضاء سفالگر اضافه شده است. تفاوت ظروف نانی با کِواره یا سفال سنتی میبد فقط در مواد اولیه و خاک است وگرنه از لحاظ ساخت همان فرایند را طی می‌کند.

ظروف نانی معمولاً ظریف و کوچک و بیشتر شامل کاسه و قدح و امثال آن است و بواسطه ظرافت در تولید آن با استفاده از ابزاری واسطه‌ای موسوم به " سِلُگ" بدون تماس مستقیم با صفحه دستگاه آن را می‌سازند. برخلاف ظروف کواره‌ای که در کوره بر روی همدیگر و بر مبنای قطر و ضخامت و بهره‌گیری از حرارت چیده می‌شوند، کوره‌های پخت سفال نانی از داخل دارای تقسیم‌بندی‌ها و غرفه‌بندی‌هایی است که بر مبنای فرم و ظرافت بدنه، سفال‌ها را در آن قرار می‌دهند.

میزان حرارت کوره بر مبنای مقدار سوختی است که طی ٢٤ ساعت در کوره مصرف می‌شود. به طور معمول برای آماده سازی یک کوره از ظروف نانی سه بشکه نفت لازم است که خود معیاری برای تعیین میزان حرارت است. این موضوع در خصوص کوره‌های سفال کواره با پایه سوخت هیزم بدین گونه است که هرگاه ارتفاع شعله از ۲ متر در داخل کوره بالا می‌زد، یعنی حرارت متناسب و برای پخت کافی بوده است. البته این سنجش‌های تجربی امروزه جای خود را به دماسنج‌ها و ابزار صنعتی مدرن داده‌اند (جانب الهی، ۱۳۸۵: ٤٧٣).

امروزه از مجموع نگاره‌های سفال میبد فقط از سه یا چهار نقش مایه شطرنجی، شویدی، بلبلی و خورشید خانم استفاده می‌شود و بواسطه وابسته بودن کار سفالگران میبدی به سفارش‌های دولتی و سازمانی که از سلیقه جامعه الهام می‌گیرد، نقش مایه‌ها عموماً بدون هیچ گونه مابه ازای تاریخی و فرهنگی و با رنگ مایه‌ها و لعاب‌های شیمیائی و متنوع در حال فراگیری است. در حال حاضر و مقارن با تنظیم این پژوهش اکثر کارگاه‌های سنتی سفالگری در میبد مکانیزه و کاملاً صنعتی شده و بیشتر تولیدات در قالب چینی‌های سنتی است که ریشه در سنت سفال سازی به شیوه نانی دارد از مشهورترین واحدهای تولید چینی سنتی در میبد، کارخانه چینی سازی مروارید است که تولیدات آن به اقصی نقاط ایران صادر می‌شود. (مشتاقیان، ۱۳۹۷: ١٦).

تصویر ۸- خانواده آقائی از جمله سفالگران میبدی هستند که همچنان به حرفه سفالگری در میبد اشتغال دارند. (محسن میرخانی، ۱۳۹۷)

متاسفانه در سال‌های اخیر بواسطه واردات بی رویه ظروف سرامیک چینی و همچنین رواج سفالینه‌های لاله جین در محل کارگاه‌ها و فروشگاه‌های سفال میبد، این صنعت دچار ضعف و فتور چندی است. چنانچه در برخی موارد حتی گل سفالگری را هم از این منطقه وارد می‌کنند (آقایی، ۱۳۹۷: ۱۶) البته بواسطه ریشه دار بودن این سنت و دانش بومی و وجود عرصه‌های جدیدی چون ساخت فرم‌های سفالین برای تجهیز، تزیین و نورپردازی اماکن و بافت‌های تاریخی، رویکرد اصلاحی به زنده کردن قنوات و تولید کول‌های سفالین و تداوم ساخت ظروف حجیم ذخیره سازی و نگهداری آب برای تصفیه و خنک سازی آن و همچنین ابزار و ادوات مورد نیاز برای صنایع مرغداری و پرنده داری در منطقه و کشور، امیدواری برای تداوم و زنده بودن این هنر- صنعت و این دانش بومی وجود دارد (تصویر شماره ۹).

امید است با تغییر رویکردهای حاکمیتی و رونق صنعت گردشگری و معرفی بهتر این‌گونه محصولات که برخاسته از سنت و فرهنگ بومی منطقه است، شاخصه‌های اقتصادی و رقابت پذیری آن با محصولات مشابه خارجی به گونه‌ای باشد که بتواند بقا

و تداوم آن را تضمین کند. خوشبختانه در سال‌های گذشته در خصوص هنر- صنعت زیلوبافی در میبد اقدامات ثمربخشی در حوزه آموزش، بازاریابی و زنده کردن نقش مایه‌های سنتی صورت گرفته که می‌توان با مشابهت سازی و اتخاذ راه کارهای مناسب زمینه رونق بیشتر آن را فراهم کرد.

تصویر ۹- نمایی از یک کارگاه سنتی تولید سفال در کارگاه‌های متمرکز میبد.
تولید حجم‌های کاربردی برای مصارف صنعتی (آبشخورهای سفالی)، مصارف معماری (قاب‌های جام خانه‌های کلاه فرنگی و نورگیرها)، مصارف خانگی (کاسه کشک مال) و ذخیره سازی آب و سایر مایعات (تپوهای سفالی). (محسن میرجانی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به گزارش‌های باستان شناسی و مقالات و بررسی‌های صورت گرفته، سفال قلم سیاه در بیشتر مختصات کلی از قبیل فرم لبه و بدنه و ساختار نقش اندازی از یک الگوی مشخصی پیروی می‌کرده ولی در برخی از مناطق بواسطه ترکیبات گل رس و شیوه پخت و فرآوری آنها، از نظر کیفی تغییراتی وجود دارد. این وضعیت در انتخاب نقش مایه نیز مؤثر است. در برخی از مناطق تولید و فراوری این سفالینه از جمله میبد، تأثیر شرایط اقلیمی، زیست بوم، حتی برخی جزییات معماری را در خط سیر نقش اندازی شاهد هستیم. شاید یکی از مهمترین علل تداوم و ماندگاری این گونه سفالی و تولید وسیع آن در ایران انعطاف پذیری این گونه سفالی در تولید فرم‌های متنوع و برای مصارف مختلف خانگی، عمومی و حتی مذهبی است (تصویر شماره ۱۰).

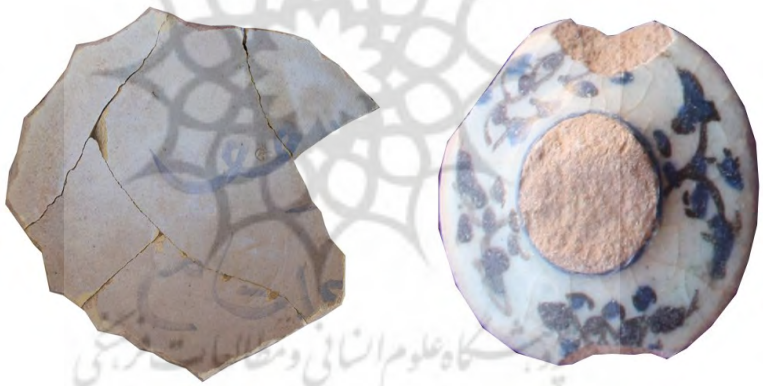

تصویر ۱۰- دو نمونه از سفالینه‌های میبد با کاربرد مذهبی. سمت راست پایه گلابدان و سمت چپ ظرفی که وقف مسجد جامع شده است. (منبع: محسن میرجانی)

سنت سفالگری قلم سیاه میبد در دوره آل مظفر و رواج و گسترهٔ وسیع آن در این منطقه حاصل یک برهم‌کنش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. از منظر اجتماعی بواسطه توسعه شهری میبد در این دوره و تخصصی شدن مشاغل و حِرف، سفالگری و

یا به زبان محلی میبدی کِواره سازی به عنوان یک نیاز اصلی برای تأمین ابزار و ادوات تغذیه و ذخیره سازی و همچنین سیستم لوله کشی و انتقال آب رشته قنات‌های میبد به آب انبارها و منازل، حمام‌ها و پایاب‌ها و پاکنه ها شایان توجه بود. حتی همین نامگذاری فخار برای جمعیت سفالگران در میبد شاید اشاره به آیه شریفه باشد «خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ كالْفَخَّار[1]» که به نوعی بیانگر شأنی اجتماعی برای جامعه سفالگران میبدی است.

از منظر اقتصادی سفالگری در میبد دست کم از دوره آل مظفر تا به امروز یک پدیده اقتصادی است. موقعیت محله فخاران در مجاورت بازار میبد و ایجاد کارگاه‌های متعدد در این محدوده نشانگر تولید عمده برای نظام عرضه و تقاضا در محدوده میبد است. با نگاهی به جغرافیای سیاسی میبد در دوره آل مظفر که گستره‌ای وسیع از شهر عقدا تا اشکذر امروز را در برمی‌گرفته است، می‌توان دست‌کم یک بازار اقتصادی درون محله‌ای برای تولید مازاد سفالگران میبدی در نظر گرفت. از منظر سیاسی بواسطه مرکزیت دولت آل مظفر در میبد و آرامش نسبی و بالا رفتن رفاه عمومی، سفالگری در کنار سایر مشاغل زمینه‌ای برای توسعه و پیشرفت داشته است. متون تاریخی محلی یزد در این دوره اشارات متعددی از ایجاد آبادی‌های متعدد در حد فاصل میبد تا عقدا توسط عمال و کارگزاران دولت آل مظفر می‌کنند که این ساخت و سازها همراه با ایجاد ثبات نسبی نزدیک به یک قرن، زمینه‌ای مناسب برای توسعه این هنر- صنعت ایجاد کرده است.

همان‌گونه که اشاره شد ساخت سفالینه در میبد تا به امروز نیز تداوم دارد و این موضوع از منظر مردم شناسی قابل پیگیری است چرا که نشانگر وجود یک شأن اجتماعی و یک تداوم فرهنگی است که بر مبنای واقعیت‌های تاریخی، اقلیمی و اقتصادی منطقه میبد رقم خورده است. این موضوع را می‌توان در ادبیات و اصطلاحات

---

[1]- آیه ١٤ سوره الرحمن. ترجمه: «انسان را خداوند از صلصال (گل خشکی) مانند گل کوزه گران آفرید»

به کار برده شده در مراحل تولید سفال و نوع نقش مایه‌های سفالینه‌های میبدی به خوبی درک کرد، اصطلاحاتی چون کُل، کِواره، خَش کردن گل، تپُو، کاسه کشمال (کشک مال)، گاودوش یا گادیشه، نقش مایه‌های چادیشوئی، خورشید خانم. این اصطلاحات منحصراً در سنت سفالگری میبد وجود دارد و مختص به این منطقه است و طی قرون متمادی با تغییراتی جزئی به حیات خود ادامه داده است. سنت سفالگری قلم سیاه میبد، یک سند مصور و ماندگار از علایق، باورها، جهان بینی، اقلیم و بوم شناسی میبد است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسفنجاری کناری، عیسی، (۱۳۸۵)، میبد شهری که هست، ***مجموعه پژوهش‌های تاریخ معماری و شهرسازی***، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی میبد.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، (۱۳٤۰)، ***مسالک و ممالک***، به کوشش ایرج افشار یزدی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- پویا، عبدالعظیم، (۱۳۷۰)، از خاک تا خورشید، تاریخچه صنعت سرامیک"، ***نشریه خبری پژوهش*** دانشگاه یزد، سال اول، شماره ۵.
- توحیدی، فائق، (۱۳۷۸)، ***فن و هنر سفالگری***، تهران: سازمان انتشارات سمت
- حصارنوی، علی رضا، (۱۳۸۲)، ***کاوش باستان شناسی مسجد کچیب اردکان***، آرشیو مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان یزد.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. (۱۳٤۳)، ***تاریخ یزد***، به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم.
- خورشیدی، احمد، (۱۳۸۰)، ***پژوهشی بر سفال میبد، گذشته، حال، چشم انداز آینده***، آرشیو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی میبد. منتشر نشده.
- چوبک، حمیده، (۱۳۸۷)، ***کاوش‌های باستانی دژ حسن صباح الموت***، گزارش‌های باستان شناسی (ج ۱)، پژوهشکده باستان شناسی.
- دهقانی، ناهید. (۱۳۷۲)، رابطه تکنیکی سرامیک سنتی با نیمه صنعتی، ***رساله کارشناسی صنایع دستی***، دانشگاه هنر، پردیس اصفهان.
- رضوانی، حسن، (۱۳۸۹) ***گزارش بررسی و شناسایی شهرستان میبد***، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- زارعی، محمد ابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد و دینی، اعظم. (۱۳۹۲)، بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی بدست آمده از کاوش‌های باستانشناسی ارزانفود، ***مطالعات باستانشناسی***، دوره ٦، شماره ۲.
- ستوده، حسینعلی. (۱۳۸۹)، ***تاریخ آل مظفر*** (ج ۱ و ۲)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۹۰)، هماهنگی رنگ و نقش در تزیینات مسجد جامع یزد، زیلو و سفال میبد، ***دو فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات اسلامی***، شماره پانزدهم.

- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. (۱۳٦۳)، ***مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث***، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
- کاتب، احمد بن حسین بن علی. (۱۳٥٤)، ***تاریخ جدید یزد***، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاستللو، وینسنت فرانسیس. (۱۳٦۸)، ***شهرنشینی در خاورمیانه***، ترجمه: پرویز پیران، عبدالعلی رضائی، تهران: نشر نی.
- کاظم نژند، ابراهیم، (۱۳۸۸)، بررسی صنعت سفالگری شهر یزد در دوره اسلامی بر اساس داده‌های باستان شناسی شهر یزد، ***پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد***، گروه باستانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- _____. (۱۳۸٤)، ***گزارش فصل اول گمانه زنی بافت تاریخی یزد***، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- _____(۱۳۸٥)، ***گزارش فصل دوم گمانه زنی بافت تاریخی یزد***، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- _____. (۱۳۸٦)، ***گزارش فصل سوم گمانه زنی بافت تاریخی یزد***، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- کتبی، محمود، (۱۳٦٤)، ***تاریخ آل مظفر***، به اهتماد سید عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گرجستانی، سعید. (۱۳۷۹)، ***آموزش هنر و فن سفال و سرامیک***، تألیف و ترجمه، دانشگاه هنر.
- فرحانی، علی. (۱۳۸٦)، دست آوردهای فصل نخست پژوهش‌های دژ گلخندان، گزارش‌های باستانشناسی (٦)، «***ویژه نامه دوران اسلامی***»، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان شناسی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید. (۱۳٤۲)، ***جامع مفیدی*** ج ۱ و ۲، به کوشش ایرج افشار یزدی، ناشر؟؟؟؟.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳٦۲)، ***نزهه القلوب***، به کوشش گای لسترانج، تهران: موسسه انتشارات دنیای کتاب.
- موسوی، نفیسه و رجبی، محمدعلی. (۱۳۸۷)، بررسی شیوه طراحی و جاگیری نقوش تزیینی در سفالینه‌های منقوش دوره ایلخانی، ***فصلنامه تحلیلی- پژوهشی نگره***، شماره ؟؟؟؟.

- مهجور، فیروز؛ ابراهیمی نیا، محمد و صدیقیان، حسین. (۱۳۸۹)، بررسی باستان شناسی سفال‌های دوره اسلامی محوطه نچیر خانلق ری، ***مطالعات باستان شناسی***، دوره ۳، شماره ۲، شماره پیاپی ٤.
- مهرشاهی، داریوش. (۱۳۸۲)، «تغییرات شرایط طبیعی کویر اردکان در انتهای دوران چهارم»، ***فصلنامه تحقیقات جغرافیایی***، شماره ٦٨.
- میرجانی ارجنان، محسن. (۱۳۹۲)، ***پژوهشی درباره قنات خارزار میبد***، آرشیو پایگاه میراث فرهنگی بافت تاریخی میبد، منتشر نشده.
- میردهقان اشکذری، سیدفضل‌اله و میرجانی، محسن. (۱۳۸٦) ***گزارش بررسی و شناسایی مقدماتی منطقه اشکذر و دهستان رستاق، شهرستان صدوق مرحله اول***، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- یوسفی، حسن. (۱۳۸٦)، گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش در محوطه تاریخی بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، گزارش‌های باستان شناسی (٦)، «***ویژه نامه دوران اسلامی***»، پژوهشگاه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، پژوهشکده باستان شناسی.
- ***مصاحبه و گفتگوی شفاهی با استاد رضا امامی***، استاد کار معماری سنتی میبد، (۱۳۹۷)
- ***مصاحبه و گفتگوی شفاهی با استاد ناصر پهلوان شمسی***، استاد کار سفالگری میبدی، (۱۳۹٦)
- ***مصاحبه و گفتگوی شفاهی با استاد علی آقائی***، استاد کار سفالگر میبدی، (۱۳۹۷)
- ***مصاحبه با استاد دهقانی فیروز آبادی***، استاد کار سفالگر میبدی، (۱۳۹۵)
- ***مصاحبه و گفتگوی شفاهی با آقای رسول مشتاقیان***، مسئول اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری میبد، (۱۳۹۷).

- Ettinghausen, R. (1936a). ***New affiliation for a classical Persian pottery type***, Parnassus 8, no 3: 10-12+20-21.
- Fehervari, G. (1973). I***slamic pottery a comprehensive study based on the Barelow Collection London***, Faber and Faber. london
- Haddon, R. A. W. (2011). Fourteenth ***century fine glazed wares produced in the Iranian world***, and comparisons with contemporary ones fromthe Golden Horde and Mamlūk Syria/Egypt (Doctoral dissertation, SOAS, University of London).
- ___ (2012). ***Mongol influences on Mamluk ceramics in the fourteenth century***. The Arts of the Mamluks in Egypt and Syria-Evolution and Impact (Vol. 1). Behrens-Abouseif, D. (Ed.).V&R unipress GmbH, 95-113.

- Hall, A. R.. (1934). ***A new collection of Islamic Pottery***, Bulletin of the Museum of Fine Arts 32: 58-67.
- Lane, A. (1971). ***Later Islamic Pottery: Persia***. Syria, Egypt, Turkey, 2nd ed., London.
- Micheline centlivres-Demont. (1971). ***Unecommunaute de potiers en Iran Le center de Meybod*** (Yazd), Universite De Neuchatel,
- Pope, A.U. (1977). ***Ceramic art in Islamic times***, A History,in A survey of Persian Art, vol IV, Tehran, Sroush.
- Pope, A.U. and Ackerman, P. (1977). ***A survey of Persian art***, vol.IX, Tehran, Sroush.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی